

# شکست اخلاق دموکراتیک

عمادالدین باقی

به گمان من برخی دیدگاهها در خلال انتخابات مطرح شد که باید به آن پرداخته شود زیرا این دیدگاهها می‌توانند آموزشهای نادرست و حتی خطرناکی درباره مفهوم دموکراسی و انتخابات را در جامعه ترویج کنند و این یکی دیگر از راههای آسیب دیدن جدی حقوق بشر است. برای مثال به کرات در نوشته بعضی پست نویسان فضای مجازی می‌خواندیم که «چطور وقتی که می‌دانید شکست می‌خورید در انتخابات شرکت می‌کنید». گرچه منظورشان این بود که انتخابات، مهندسی شده است اما مبتنی بر یک فرض غلط بود یعنی اینکه باید اگر اطمینان به پیروزی است در انتخابات شرکت کرد. این در واقع نوعی موج سواری است. واقعیت اینست که یکی از عوامل موثر در انتخابات همین است یعنی وقتی عده ای می‌بینند موجی در حال برانگیخته شدن است، بخشی از آرای خاکستری یا ناراضی تمایل به شرکت پیدا می‌کنند. این تصور که ما جهت وزیدن باد را ببینیم و تصمیم بگیریم رفتار دموکراتیک نیست. رفتار دموکراتیک این است که ما وقتی کاری را درست می‌دانیم فارغ از اینکه دیگران با آن همراهی می‌کنند یا نه کار درست را انجام دهیم. وقتی که فرض را بر پیروزی می‌گذارند از این جهت نادرست است که اصل انتخابات را منتفی و آن را بلاموضوع می‌کند درحالیکه برای مثال در آمریکا که کشوری دموکراتیک است احزابی وجود دارند که ۱۰۰ سال است در انتخابات شرکت می‌کنند و هیچگاه بیش از ۲ یا ۳ درصد آرا را هم به دست نیاورده اند و همواره با علم و یقین به اینکه شکست می‌خورند و آراء بسیار ناچیزی دارند در انتخابات شرکت می‌کنند. جالب است که برخی از این احزاب، احزاب چپ و رادیکال هستند و کل نظام سیاسی آمریکا را هم قبول ندارند. این رفتار چپ‌ها و رادیکال‌ها را در آمریکا مقایسه کنید با چپ و رادیکال‌های کشور خودمان آن وقت معلوم می‌شود که رادیکال بودن در یک جامعه دموکراتیک و رادیکال بودن در یک جامعه غیردموکراتیک چقدر می‌تواند تفاوت داشته باشد.

اروپایی‌ها هم صدسال بود رای شان دزدیده می‌شد ولی آنقدر دفاع از صندوق و حق رای را ادامه دادند تا رسیدند به جایی که حق رای حقی غیر قابل نظارت استصوابی به سبک ایران است.

اما نکته ظریف تر این که از دل دیدگاه یاد شده یک نوع دیکتاتوری هم بیرون می‌آید مثلاً در این دیدگاه فقط آراء رای ندهندگان ملاک

